الگوی واقعی نمایندگی مردم در مجلس

سخنان امام خمینی به مناسبت سالروز شهادت آیت‌الله سید حسن مدرس و روز مجلس

دهم آذرماه سالروز شهادت عالم آزاده، فقیه ساده‌زیست، سیاستمدار مستقل و آگاه و مجتهد شجاع، با صلابت، تیزهوش و به تعبیر امام خمینی "عالم وارسته" آیت‌الله سیدحسن مدرس نماینده مردم تهران در مجلس شورای ملی در دوران استبداد است. به همین مناسبت، دهم آذر ماه در تقویم رسمی کشور "روز مجلس" نامیده شده است. شهید مدرس در اندیشه امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه، جایگاه و منزلتی ویژه داشت بطوریکه از ایشان همواره به بزرگی و عظمت یاد کرده‌اند. شخصیت این فقیه مبارز از آن جهت در نگاه امام خمینی عظیم و شریف بود که وی را جامع صفات و خصال و فضایل اخلاقی یک انسان دیده بودند و علاوه بر آن هرآنچه برای یک عالم مصلح و رجل سیاسی در جهت ایجاد تحرک و تحول در مردم و جامعه برای حرکت در مسیر رشد و کمال در عرصه‌های مختلف اعم از سیاست، فرهنگ، علم، امور اجتماعی، عمل به تکلیف شرعی، انسانی و اسلامی لازم بود، مشاهده کرده بودند و همین خصوصیات، از شهید مدرس الگویی کامل برای سیاستمداران، زمامداران و فعالان عرصه‌های مختلف در اندیشه امام خمینی ساخته بود. ویژگی ممتاز شهید مدرس در اندیشه امام خمینی، «وارستگی» آن عالم مجاهد از هرآنچه تعلقات دنیوی و مادی شناخته می‌شود، بود و امام خمینی رمز ماندگاری و موفقیت آیت‌الله مدرس را در مبارزه قوی علیه استبداد رضاخانی این ویژگی ممتاز می‌دانستند.

آنچه در ادامه مطالعه می‌فرمائید، گزیده‌ای از بیانات امام خمینی درباره ویژگی‌های شهید مدرس است که به مناسبت روز مجلس تقدیم خوانندگان گرامی روزنامه می‌شود.

***

... شما می‌دانید و ما هم می‌دانیم، مدرس یک ملای دیندار بود، چندین دوره زمامداری مجلس را داشت و از هر کس برای او استفاده مهیاتر بود، بعد از مردن چه چیز به جای خود گذاشت جز شرافت و بزرگی؟ ما می‌گوییم مدرس‌ها باید بر راس هیئت تقنینیه و قوای مجریه و قضایی واقع شود تا کشور از این حال فلاکت بیرون بیاید. (کشف‌الاسرار، ص۲۳۴)

... یک وقتی در یک سفر رفته بود، یک سفری که مورد خطر شاید بود، مرحوم مدرس – رحمه‌الله – که آن روز مخالف با رضاشاه بود و جانش را هم سر همان مخالفت داد، گفته بود که من دعا کردم به شما در این سفر که سالم برگردید، خیلی خوشحال شده بود که مدرس به او دعا کرده، گفت: دعا کردید؟ خب، ایشان گفته بود: آخر نکته دارد، این است که اگر تو در این سفر مرده بودی همه اموال ما از بین رفته بود، من می‌خواهم زنده باشی تا اموالمان را پیدا کنیم. (صحیفه امام، ج۱۰، ص۱۰۱)

... از آخوند می‌ترسیدند. یک آخوند توی مجلس بود پدرش را درمی‌آورد، یک مدرس که در مجلس بود مکرر شکست داد، آخر گرفتند او را کشتند. رضاشاه می‌دید که آخوند است،... مدرس است که جلوی او ایستاده است. او می‌دید که مدرس جلوی او ایستاد و فریاد می‌زد که: زنده باد خودم، مرده باد رضاخان، در آن وقتی که قدرت داشت رضاخان. آن که در مجلس مخالفت می‌کرد، جبهه ملی نبود، مدرس بود، نهضت آزادی نبود، مدرس بود که می‌ایستاد. (صحیفه امام، ج۵، ص۵۱۵)

... ما خودمان دیدیم تنها آدمی که در مقابل رضاخان قلدر ایستاد این است، این شخص است، یک روحانی که لباسش از سایر اشخاص کمتر بود و کرباس به تن می‌کرد، آن وقت وقتی که شعر گفته بودند، برای تنبان کرباس مدرس، آن فاسد شعر گفته بود، او در مقابل قدرت بزرگ رضاخان ایستاد و آن که هجوم کرده بود به مجلس که مجلس را چه بکند و زنده باد، زنده باد رضاخان می‌گفتند، ایستاد و گفت که مرده باد او و زنده باد من. یک چنین مرد قدرتمندی بود، برای اینکه الهی بود، برای خدا می‌خواست کار بکند، نمی‌ترسید. خداوند ان‌شاءالله او را رحمت کند. (صحیفه امام، ج۴، ص۲۲۲)

... یک آدم اگر موافق تعلیم قرآن درست شود، یک وقت می‌بینید که یک مدرس از کار درمی‌آید که یک مدرس مثل یک گروه است جلوی قدرت رضاخان را، آن قدرت شیطانی را می‌ایستد، می‌ایستد تنها، با پیرمردی خودش می‌ایستد جلویش را می‌گیرد و جلوی شوروی که می‌خواستند به ایران حمله کنند می‌گیرد. اینها هم، خارجیها هم از انسان می‌ترسند. سعی کنید مثل مرحوم مدرس را انتخاب کنید، البته مثل مدرس که به این زودی‌ها پیدا نمی‌شود، شاید آحادی مثل مدرس باشند... وقتی روسیه در یک قضیه‌ای (که الان یادم نیست) اولتیماتوم داد به ایران و آوردند به مجلس و قوای نظامیش هم

***امام خمینی: مدرس وقتی می‌ایستاد و صحبت می‌کرد، متزلزل می‌کرد همه را. یک انسان بود، وضع زندگیش آن بود که شما شنیدید و من دیدم. وقتی که وکیل شد؛ یعنی از اول به عنوان فقیهی که باید در مجلس باشد تعیین شد**

حرکت کرده بودند به طرف تهران یا قزوین که این را قبول کنند، مجلس (آنطور که حالا نقل می‌کنند) مجلس بهتشان زده بود که باید چه بکنند، قوا، قوای شوروی است، مقاومت نمی‌توانیم بکنیم، قبول این هم که خیانت است. آنجا نوشته است که یک روحانی با دست لرزان آمد و گفت حالا که ما باید از بین برویم چرا خودمان از بین ببریم؟ ما این را ردش می‌کنیم، رد کرد، همه هم قبول کردند. آنها هم هیچ‌کاری نکردند. (صحیفه امام، ج۳، ص۲۴۴ و ۲۴۵)

... در زمان رضاخان یک مدرس بود که در مجلس بود نگذاشت رضاخان آن وقت که می‌خواست جمهوری را درست بکند، مدرس نگذاشت ولو بر خلاف مصالح شد و اگر درست شده بود بهتر بود، لکن آن وقت اینها نظر سوء داشتند، یعنی او به سلطنت که نرسیده بود، او می‌خواست رئیس‌جمهور بشود و بعدش حالا کارهای دیگر بکند و کسی که جلوی او را گرفت مدرس بود که نگذاشت این کار عملی بشود، کسی که تا آخر ایستاد در مقابلش و بالاخره هم جانش را از دست داد، مدرس بود که نگذاشت او کارهایی بکند، لکن آخرش هم در یک جایی شهیدش کردند. (صحیفه امام، ج۹، ص۲۰۲)

... رضاشاه از مدرس می‌ترسید، آنقدری که از مدرس می‌ترسید، از دزدهای سرگردنه نمی‌ترسید، از تفنگدارها نمی‌ترسید. از مدرس می‌ترسید، مدرس مانع بود از اینکه یک کارهای زشتی را انجام بدهد و آخر مدرس را گرفت و کشت. (صحیفه امام، ج۹، ص۲۹۴) مرحوم مدرس یک کسی بود که در مقابل همه می‌ایستاد و مع‌الاسف اینها می‌گویند روحانیون نقشی نداشتند. یک روحانی در یک مجلسی رضاخان می‌خواست که جمهوری درست کند و مدرس مخالفت می‌کرد، می‌دانست که این می‌خواهد حقه بزند و مردم را بچاپد، فقط مدرس ایستاد و جلوی او را گرفت. (صحیفه

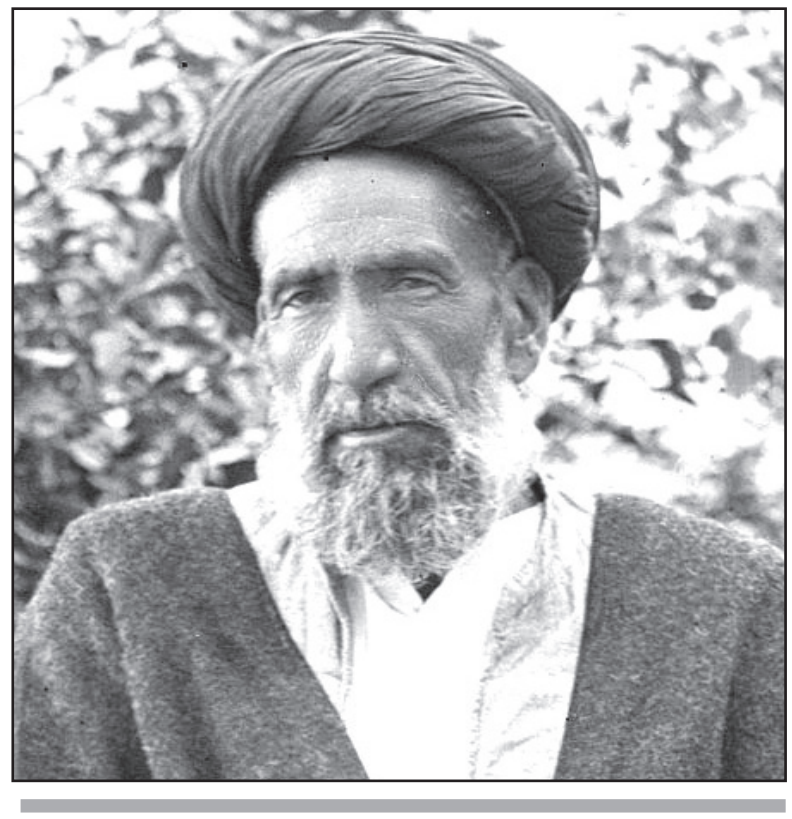

***این عالم ضعیف‌الجثه، با جسمی نحیف و روحی بزرگ و شاداب از ایمان و صفا و حقیقت و زبانی چون شمشیر حیدرکرار، روبرویشان ایستاد و فریاد کشید و حق را گفت و جنایات را آشکار کرد و مجال را تنگ و روزگارشان را سیاه کرد و عاقبت جان طاهر خود را در راه اسلام عزیز و ملت شریف نثار کرد**

امام، ج۱۲، ص۳۸۸) رضاخان از مدرس می‌ترسید، برای اینکه انسان بود... رضاخان رقیب خودش را مدرس می‌دانست، به دیگران اعتنایی نداشت، رقیب خودش را مدرس می‌دانست که وقتی که می‌ایستاد و صحبت می‌کرد، متزلزل می‌کرد همه را. یک انسان بود، وضع زندگیش آن بود که شما شنیدید و من دیدم وقتی که وکیل شد؛ یعنی از اول به عنوان فقیهی که باید در مجلس باشد تعیین شد، آنطور که نقل کرده‌اند یک گاری با یک اسبی در اصفهان خریده بود و سوار شده بود و خودش آورده بود تا تهران، آنجا آن را هم فروخته بود و منزلش یک منزل محقر از حیث ساختمان، یک قدری بزرگ بود ولی محقر از حیث ساختمان و زندگی یک زندگی مادون عادی که در آن وقت لباس کرباس ایشان زبانزد بود، کرباسی که باید از خود ایران باشد می‌پوشید. (صحیفه امام، ج۱۳، ص۴۱۷)

... مرحوم مدرس هم این عادت را داشت توی حیاطش یک فرشی انداخته بود و آنجا می‌نشست، قلیان هم وقتی می‌خواست پا می‌شد خودش شروع می‌کرد درست کردن، در این خلال فرمانفرما وارد می‌شد. فرمانفرمای آن‌وقت را شما

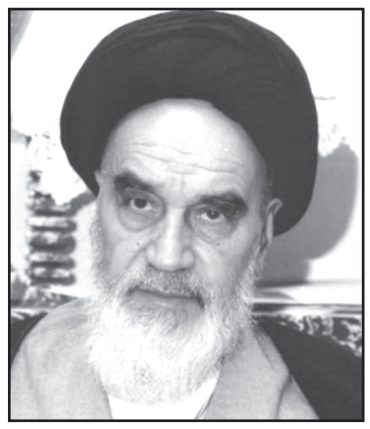

شاید نمی‌دانید چه مسئله‌ای بود. ایشان می‌گفت که قلیان را دستش می‌داد می‌گفت که شما آبش را بریز تا من آتشش را درست کنم. فرمانفرما شکست می‌خورد، تحت تأثیر همچو واقع می‌شد که مدرس به او گفت تو آب قلیان را بریز. وادارش می‌کرد که آب قلیان را بریزد و من خودم آتش را درست می‌کنم تا قلیان درست بشود. (صحیفه امام، ج۱۳، ص۴۸۵)

... بعد از اینکه آن مجلسی که مرحوم مدرس در آن بود به مجرد اینکه مجلس تمام شد، فرستادند ایشان را گرفتند و بردند و با آن زجرها شهید کردند. شما دیگر سراغ دارید یک مجلسی که واقعا مال ملت باشد و مردم خودشان به طور آزاد انتخاب کرده باشند؟... شما ملاحظه کرده‌اید، تاریخ مرحوم مدرس را دیده‌اید که یک سید خشکیده لاغر – عرض می‌کنم

***زمانی که قلمها شکسته و زبان‌ها بسته و گلوها فشرده بود، شهید مدرس از اظهار حق و ابطال باطل دریغ نمی‌کرد**

– لباس کرباسی (که یکی از فحش‌هایی که آن شاعر به او داده بود؛ همین بود که تنبان کرباسی پوشیده) یک همچو آدمی در مقابل آن قلدری که هر کس آن وقت را ادراک کرده می‌داند که زمان رضاشاه، غیر زمان محمدرضا شاه بود، آن وقت یک قلدری بود که شاید تاریخ ما کم مطلع بود، در مقابل او همچو ایستاد در مجلس، در خارج – فلان – که یک وقت گفته بود: سید چه از جان من می‌خواهید؟ گفته بود که: می‌خواهم تو نباشی. این آدم که – می‌آمد – (من درس ایشان یک روز رفتم) می‌آمد در مدرسه سپهسالار که مدرسه شهید مطهری است حالا، درس می‌گفت، من یک روز رفتم درس ایشان، مثل اینکه هیچ‌کاری ندارد، فقط طلبه‌ای است دارد درس می‌گوید، اینطور قدرت روحی داشت. در صورتی که آن وقت در کوران آن مسائل سیاسی بود که باید حالا بروند مجلس و آن بساط را درست کند، از آنجا، پیش ما رفت مجلس. آن وقت هم که می‌رفت مجلس یک نفری بود که همه از او حساب می‌بردند. من مجلس آن وقت را هم دیده‌ام، کانه مجلس منتظر بود که مدرس بیاید، با اینکه با او بد بودند ولی مجلس کانه احساس نقص می‌کرد، وقتی مدرس نبود. وقتی مدرس می‌آمد مثل اینکه یک چیز تازه‌ای واقع شده. این برای چه بود؟ برای اینکه یک آدمی بود که نه به مقام اعتنا می‌کرد و نه به دارایی و امثال ذلک، هیچ اعتنا نمی‌کرد، نه مقامی او را جذبش می‌کرد. ایشان وضعش اینطور بود که (برای من نقل کردند این را که) داشت قلیان خودش را چاق می‌کرد، خودش اینطور بود، فرمانفرمای آن روز (حالا که من می‌گویم فرمانفرما، شما به ذهنتان نمی‌آید که یعنی چه) فرمانفرمای آن روز وارد شده بود منزلش، گفته بود که:

– به – حضرت والا! من قلیان را آبش را می‌ریزم تو این را، آتش سرخ کن را درست کن، یا بعکس. از اینجا همچو او را کوچک می‌کرد که دیگر نه، طمع دیگر نمی‌توانست بکند. وقتی اینطور با او رفتار کرد که بیا این آتش سرخ‌کن را گردش بده، آن آدمی که همه برایش تعظیم می‌کردند، همه برایش چه می‌کردند این وقتی اینطوری می‌رسیده، این شخصیتها را اینطوری از بین می‌برد که مبادا طمع کند که از ایشان چیزی بخواهد. من بودم آنجا که یک کسی یک چیزی نوشته بود، زمان قدرت رضاشاه، زمانی که آن وقت باز شاه نبود، آن وقت یک قلدر نفهمی بود که هیچ‌چیز را ابقا نمی‌کرد، یک کسی آمد گفت من یک چیزی نوشتم برای عدلیه، شما بدهید ببرند پیش حضرت اشرف (یک همچو تعبیرهایی) که ببینند. گفت: رضا خان که باز نمی‌داند اصلش عدلیه را با "الف" می‌نویسند یا با "ع" می‌نویسند، من بدهم این را و ببیند؟ نه اینکه این را در غیاب می‌گفت، در حضورشان هم می‌گفت، اینجوری بود وضعش. این چه بود؟ برای اینکه وارسته بود، وابسته به هواهای نفس نبود، "اتخذ الهه هواه" نبود. این هوای نفسانی خودش را اله خودش قرار نداده بود، این اله خودش را خدا قرار داده بود، این برای مقام و برای جاه و برای وضعیت کذا نمی‌رفت عمل بکند، او برای خدا عمل می‌کرد، کسی که برای خدا عمل می‌کند، وضع زندگیش هم آن است، دیگر از آن وضع بدتر که دیگر نمی‌شود برایش. برای چه دیگر چه بکند، از هیچ کس هم نمی‌ترسید. وقتی که رضاشاه ریخت به مجلس که چیز می‌کردند، فریاد می‌زدند آن قلدرهای اطرافش که زنده باد کذا و زنده باد کذا، مدرس رفت ایستاد و گفت که: مرده باد کذا، زنده باد خودم. خوب، در مقابل او شما نمی‌دانید حالا، در مقابل او ایستادن یعنی چه و او ایستاد. این برای این بود که از هواهای نفسانی آزاد بود، وارسته بود، وابسته نبود. (صحیفه امام، ج۱۶، ص۴۵۱ و ۴۵۲)

... در عصر شکوفایی انقلاب اسلامی، بزرگداشت مجاهدی عظیم‌الشان و متعهدی برومند و عالم بزرگواری که در دوران سیاه اختناق رضاخانی می‌زیست لازم می‌باشد، زیرا در زمانی که قلمها شکسته و زبانها بسته و گلوها فشرده بود، او از اظهار حق و ابطال باطل دریغ نمی‌کرد. در آن روزگار در حقیقت حق حیات از ملت مظلوم ایران سلب شده بود و میدان تاخت و تاز قلدری هتاک در سطح کشور باز و دست مزدوران پلیدش در سراسر ایران تا مرفق به خون عزیزان آزاده وطن و علمای اعلام و طبقات مختلف آغشته بود. این عالم ضعیف الجثه با جسمی نحیف و روحی بزرگ و شاداب از ایمان و صفا و حقیقت و زبانی چون شمشیر حیدر کرار، رویارویشان ایستاد و فریاد کشید و حق را گفت و جنایات را آشکار کرد و مجال را بر رضاخان کذایی تنگ و روزگارشان را سیاه کرد و عاقبت جان طاهر خود را در راه اسلام عزیز و ملت شریف نثار کرد و به دست دژخیمان ستمشاهی در غربت به شهادت رسید و به اجداد طاهرینش پیوست. در واقع شهید بزرگ ما مرحوم مدرس که القاب برای او کوتاه و کوچک است، ستاره درخشانی بود بر تارک کشوری که از ظلم و جور رضاشاهی تاریک می‌نمود و تا کسی آن زمان را درک نکرده باشد، ارزش این شخصیت عالی‌مقام را نمی‌تواند درک کند. ملت ما مرهون خدمات و فداکاری‌های اوست و اینک که با سربلندی از بین ما رفته، بر ماست که ابعاد روحی و بینش سیاسی و اعتقادی او را هرچه بهتر بشناسیم و بشناسانیم و با خدمت ناچیز خود مزار شریف دور افتاده او را تعمیر و احیا نماییم. (صحیفه امام، ج۱۹، ص۷۳ و ۷۴)

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسناد رهنی)

بموجب پرونده اجرائی کلاسه فوق ششدانگ یک قطعه زمین نوع ملک طلق با پلاک ثبتی ۲۵۷ فرعی از ۱۱۰۱ اصلی، مفروز و مجزا شده از۹۲ فرعی از اصلی مذکور، قطعه یکم تفکیکی واقع درواقع در حوالی روستای کلاهی وتیاب بخش ۰۴ ناحیه ۰۴ حوزه ثبت ملک میناب استان هرمزگان به مساحت ۱۵۹۰۰۰ متر مربع. به حدود: شمالا: محدود است بطول دویست وپنجاه متر به اراضی ملی شماره نود ودو فرعی از یک هزار ویکصد ویک اصلی. شرقا: محدود است بطول ششصد وسی وشش متر به اراضی ملی شماره نود ودو فرعی از یک هزار ویکصد ویک اصلی. جنوبا: محدود است بطول دویست وپنجاه متر به اراضی ملی شماره نود ودو فرعی از یک هزار ویکصد ویک اصلی. غربا: محدود است بطول ششصد وسی وشش متر به اراضی ملی شماره نود ودو فرعی از یک هزار ویکصد ویک اصلی. با مالکیت اربیان طلایی شماره ثبت ۱۱۵۹ تاریخ ثبت ۱۳۸۶/۰۷/۲۲ دارای شماره ملی ۱۰۸۰۰۰۴۰۳۳۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۳۴۳۷۵ تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۴ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶ شهر بندرعباس استان هرمزگان، موضوع سند مالکیت تعویضی بشماره چاپی ۷۰۴۳۳۳ سری ب سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۲۳۰۵۷۰۰۰۳۱۱ ثبت گردیده است.

محدودیت دفتر املاک : رهنی شماره ۱۱۳۷۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۲۸دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۶ روستای تیاب بخش مرکزی استان هرمزگان که بنفع بانک کشاورزی شعبه کلاهی کد ۴۱۱۵ به مبلغ ۳۵،۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به مدت ۱۰ سال ثبت شده. که بعلت عدم انجام تعهدات خود منجربصدور اجرائیه گردیده است. پلاک فوق ارزیابی و بعلت عدم اعتراض قطعیت پیدا نموده است.

نظریه کارشناس رسمی دادگستری: مشاهدات الف) مشخصات ثبتی و بررسی بر روی ملک مورد ارزیابی :

ملک موضوع ارزیابی که به استناد تصویر سند مالکیت مندرج در پرونده ، تحت پلاک ثبتی ۲۵۷ فرعی از ۱۱۰۱ اصلی بشماره سریال ورقه مالکیت ۷۰۴۳۳۳ -۹۴ /ب وشماره الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۲۳۰۵۷۰۰۰۳۱۱ – قطعه ۱ بخش ثبتی چهار میناب پرونده اجرائی کلاسه فوق به مساحت ۱۵۹۰۰۰ متر مربع(یکصد و پنجاه و نه هزار متر مربع است) در مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۳۰ با هماهنگی و در معیت نمایندگان محترم بانک کشاورزی شعبه میناب و بندر کلاهی و نمایندگان شرکت اربیان طلایی که در محل حضور داشته (آقای حسین شیردل) و ارائه طریق ایشان مورد بازدید قرار گرفت عبارت است از یک قطعه زمین زراعی از نوع پرورش میگو تحت مالکیت با شناسه ملی ۱۰۸۰۰۰۴۰۳۳۶ و شماره شناسنامه ۱۱۵۹ که در شهرستان میناب - بندر کلاهی در فاصله ی تقریبی ۳۰ کیلومتری از مرکز شهر میناب واقع گردیده است این ملک که دارای کاربری زراعی شیلاتی است ، مشتمل بر زمین و اعیاناتی از قبیل انبار و استراحت گاه و خانه کارگری و انبارغذا سازی و کارگاه تولید خوراک و کلیه امکانات در ضلع جنوبی پلاک مذکور است که تماما بوسیله تاسیسات و ترانس برق و پمپ های موجود از کانال ورودی به استخرهای موجود آبگیری ،میگردد که در حال حاضر تمامی استخرهای موجود آبگیری و بصورت فعال می باشد و قطعه زمین مورد نظر دارای دیگر امکانات و زیر ساختها از قبیل برق و جاده دسترسی می باشد. مختصات utm و محوقعیت جغرافیایی ملک بر اساس نقطه کاداستر موجود در سند مالکیت ثبتی عبارتست از: منابع آبی مورد بهره برداری جهت آبیاری ملک مورد ارزیابی، آب کانال از دریا و خوربندر تیاب میباشد. کیفیت خاک این مزرعه جهت پرورش میگو مناسب است ملک موصوف مجهز به سیستم آبیاری با تاسیسات و تجهیزات متعلقه ی آن است . شکل زمین مسطح است.

ب تعیین ارزش و قیمت ملک موضوع ارزیابی :

با جمع بندی موارد عنوان شده در صدر این گزارش و با توجه به موقعیت مکانی و با احتساب اعیانی های صدرالاشاره و عوامل ذی مدخل لحاظ تاسیسات و سیستم آبیاری و مجموع و مجموع اعیانات و جمیع جهات و عوامل موثر آن از قبیل فاصله تا مرکز شهر و امکانات و تاسیسات متعلقه و شکل زمین و راههای دست رسی به به محل وقوع ملک و با در نظر گرفتن ارزش ریالی طبق عرف محل و بررسی و تحقیق بعمل آمده و معاملات و ارزیابیهای انجام شده که موثر در ارزیابی ملک مورد نظر می باشد، اینجانب کارشناس منتخب ارزش عرصه و اعیان ملک و زمین موضوع ارزیابی خواسته شده، با مشخصات ثبتی فوق الذکر را به ازای هر هکتار ده میلیارد ریال ، مجموعا (مبلغ یکصد و پنجاه و نه میلیارد ریال) برآورد و تعیین و به محضرتان اعلام می نماید.

پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۶واقع درمیناب - بلوار آل محمد (ص) - جنب اداره کار - ساختمان اداره ثبت اسناد واملاک میناب - شعبه اجرای اسناد رسمی ثبت میناب از طریق مزایده ازمبلغ پایه کارشناسی شروع وبه بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته میشود. مطابق ماده ۱۳۶ـ اصلاحی شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و درصورتیکه ظرف مهلت مقرر، مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند، مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در اینصورت، عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط ومزایده تجدید می‌گردد. برابر اعلام بانک، مورد مزایده بیمه نمیباشد. و پرداخت بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری وغیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است وهمچنین هزینه نیمعشر وحق حراج نیز نقداً از برنده مزایده وصول میگردد. توضیحا: رسید پرداخت ۱۰ درصد بایستی قبل از شروع مزایده به تائید شعبه اجرای ثبت برسد.

تاریخ انتشار : ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

م/الف ۲۱۴۰

محمود مظفری
رئیس ثبت اسناد و املاک میناب

آگهی موضوع ماده۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱۴۰۳/۹/۷ ۱۱۶/۵۷۶/۱۴۰۳/۱۳۶۶

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بانه تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

بخش ۷

۱ - آقای فایق محموددی فرزند محمد ششدانگ عرصه واعیان یک باب ساختمان جزء پلاک ۱۲۲۱-اصلی به مساحت ۲۵۰/۹۵ متر مربع واقع در بانه گلشهر کوچه هاورنگ ۱۶

دهستان سبدلو قطعه ۳

۲ - آقای علی محمد زاده فرزند محمد سلیم ششدانگ عرصه واعیان یک قطعه باغ جزء پلاک ۱۰ -اصلی به مساحت ۱۱۶۸۳/۱۹ متر مربع واقع در بانه روستای بنه خوی

۳ - آقای علی محمد زاده فرزند محمد سلیم ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه باغ جزء پلاک ۱۰ -اصلی به مساحت ۱۱۶۷۷/۵۷ متر مربع واقع در بانه روستای بنه خوی

دهستان شوی قطعه ۴

۴ - آقای رحمان حسنی فرزند حسن ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه باغ جزء پلاک ۸-اصلی به مساحت ۳۰۳۷/۹۱ متر مربع واقع در بانه روستای نـــژو

۵ - آقای ایوب حسنی فرزند حسن ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه باغ جزء پلاک ۸-اصلی به مساحت ۲۱۵۲متر مربع واقع در بانه روستای نـــژو

دهستان دشت تال قطعه ۶

۶ - آقای علی صالحی فرزند حسن ششدانگ عرصه واعیان یک قطعه باغ جزء پلاک۶- اصلی به مساحت ۵۰۴۷/۵۷ متر مربع واقع در بانه روستای نمازگاه

۷ - آقای بهزاد شریفی فرزند کریم ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه باغ جزء پلاک ۲۹-اصلی به مساحت ۵۳۰۵/۰۹ متر مربع واقع در بانه روستای زرواو سفلی

۸ - آقای بهزاد شریفی فرزند کریم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۲۹-اصلی به مساحت ۴۱۶۴/۱۹ متر مربع واقع در بانه روستای زرواو سفلی

دهستان پشت آربابا قطعه ۹

۹ - آقای حسن محمدی فرزند کریم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۳۷-اصلی به مساحت ۳۰۰۰/۷۱ متر مربع واقع در بانه روستای میرحسام

دهستان ننور قطعه ۱۰

۱۰ - آقای جمال آریافر فرزند محمود ششدانگ عرصه واعیان یک قطعه باغ جزء پلاک ۱-اصلی به مساحت ۳۷۰۰/۴۶ متر مربع واقع در بانه روستای کریم آباد

۱۱ - آقای ابوبکر معروفی فرزند احمد ششدانگ عرصه یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵-اصلی به مساحت ۱۳۳۳۷/۸۹ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

تاریخ انتشار اول : ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵

کیوان محمودی
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بانه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۴۰۰۹۰۰۵۳۳۴ -۱۴۰۳/۸/۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهرتصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای داود برزگر فرزند ابوالقاسم بشماره شناسنامه ۱۵۴ صادره از دشتستان به شماره ملی ۳۵۲۱۳۶۲۴۷۷ در ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۶۳/۲۲ متر مربع پلاک ۱۱/ فرعی از ۲۰۰۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری از مالک رسمی گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، داداخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۳/۰۹/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵

م الف: ۱۲۶۶

شکراله سعادتی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

برگ سبز سواری تیپ SX زانتیا مدل ۱۳۸۸ شماره پلاک ۳۲۹ل۸۹ایران۴۶ شماره موتور ۱۰۹۸۹۱ شماره شاسی S۱۵۱۲۲۸۸۱۸۵۴۳۷ بنام داود احمدی اضماره مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.گرمی

برگ سبز و برگ کمپانی سواری پژو مدل ۱۳۹۳ پلاک ایران۹۱-۷۶۲ط۳۱ شماره موتور ۱۳۹۸۰۰۶۵۳۰۶ شماره شاسی NAAN۱۱FC۶EK۶۸۵۵۶۰ بنام عیسی پاک‌جو مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.گرمی

سند کارخانه و سند مالکیت (برگ سبز) سواری پژو ۴۰۵ مدل ۹۶ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۱۹-۹۴۷ب۸۹ و شماره شاسی NAAM۳۱FE۶HK۰۸۷۸۸۲ و شماره موتور ۱۶۴B۰۱۵۹۰۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کارخانه و سند مالکیت (برگ سبز) سواری فیدلیتی پرایم مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۹۳-۴۲۶و۴۳ و شماره شاسی NAGC۱AB۴۹M۱۰۰۲۱۷۳وشماره موتور SQRE۴T۱۵CACMG۰۱۴۸۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کارخانه، سند مالکیت (برگ سبز) و کارت شناسایی و جفت پلاک کامیون یخچالدار ایسوزو مدل ۸۸ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۵۱-۶۱۸ع۴۸ و شماره شاسی NAG۰۸۸NPRF۱۷۷۸۹ و شماره موتور ۷۱۸۹۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کمپانی خودرو سواری پراید تیپ صبا (جی.تی ایکس) مدل ۱۳۸۱ به رنگ سفیدشیری-روغنی به شماره پلاک ۹۹۱ط۵۸ ایران۱۹ به شماره موتور ۰۰۳۳۴۰۶۵ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۱۷۹۹۵۰۶ بنام بهرام رضائی باشماره ملی ۳۲۴۰۶۳۹۶۵۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. کرمانشاه

فقدان سند

سند کارخانه، تسلسل اسناد و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۸۵ بشماره پلاک ۷۸۱ ل ۷۲ - ایران ۲۵ همچنین شماره موتور ۱۲۴۸۵۲۴۴۸۵۹ و شماره شاسی ۴۰۳۱۲۹۰۳ بنام عیسی میرزائی مفقود و فاقد اعتبار است. (بناب)

فقدان سند

برگ سبز کامیونت ون زامیاد مدل ۱۴۰۳ بشماره پلاک ۶۸۳ ل ۲۷ - ایران ۲۵ همچنین شماره موتور M۲۴۹۹۱۸۰۵M و شماره شاسی NAZPL۱۴۰BR۰۷۷۳۶۰۰ بنام حسین جلیلی مفقود و فاقد اعتبار است. (بناب)

برگ سبز و فاکتور فروش سواری پژو PARS XU۷ مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید روغنی شماره پلاک ۴۲۴ ط ۱۱ ایران ۴۰ شماره موتور ۱۲۴K۱۵۹۵۴۵۶ شماره شاسی NAAN۰۱CE۰MH۶۲۷۵۵۷ به نام نرگس فرعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. زاهدان

سند مالکیت اتومبیل سایپا مدل ۱۴۰۳ به شماره انتظامی ۷۱۶د۹۴ایران۷۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

لاهیجان

سند مالکیت اتومبیل پراید مدل ۱۳۹۵ به شماره انتظامی ۲۹۹د۳۶ایران۷۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

لاهیجان

سند مالکیت موتورسیکلت کبیر ۱۵۰ سی‌سی مدل ۱۳۹۰ به‌شماره‌انتظامی ۴۶۹۵۱ - ۵۸۲ به شماره موتور ۱۶۰FMJ*۴۱۳۸۵۸۹۱* شماره تنه NCV***۱۵۰Z۹۰۲۷۸۵۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

لاهیجان

برگ سبز و سند کمپانی یک دستگاه موتورسیکلت هیرمن ۱۲۵CC مدل ۱۳۹۴ به شماره موتور ۱۲۵N۲P۲۰۳۲۶۶ و شماره شاسی N۲P***۱۲۵C۹۴۳۵۸۶۵ و شماره پلاک ۵۱۱/